

برتر از همه مردم!

رباعی‌ای است منسوب به علی علیه السلام، یعنی در آن دیوان معروف است، می‌فرماید:

کَدَّ كَ الدَّعْبَدُ انْ احْبَبْتَ انْ تُصْبِحَ حُرَّاً / وَاقْطَعَ الْأَمَالَ مِنْ مَالَ بَنَى آدَمَ طُرَا
لَا تَقْلُ ذَا مَكْسَبَ يَزِرَى فَقَضَى النَّاسُ ازْرِى / اَنْتَ مَا اسْتَغْنَيْتَ عَنْ غَيْرِكَ اَعْلَى النَّاسِ قَدْرًا

می‌فرماید: اگر دلت می‌خواهد آزاد زندگی کنی، مثل بندگان و بردهان رحمت بکش، کار کن، رنج بکش و چشم از مال فرزندان آدم (عموماً، هر که می‌خواهد باشد، ولو حاتم طائی باشد) ببند. یعنی نمی‌گوییم چشم طمع از مال مردم پست و دنی ببند؛ حتی چشم طمع ببند از مال مردم سخی با جود و کرم مثل حاتم طائی. بعد می‌گوید بعضی از افراد وقتی برخی از شغلها به آنها پیشنهاد می‌شود، می‌گویند این شغل دون شان من است، پست است. مثلًا می‌گویی کارگری کن، بیل بزن، می‌گوید این کار پستی است؛ حمالی کن، می‌گوید پست است. می‌فرماید: هر کاری، هرچه هم که تو آن را پست گمان کنی، پست تر از اینکه دست طمعت پیش دیگری دراز باشد نیست. لاتَقْلُ ذَا مَكْسَبَ يَزِرَى فَقَضَى
النَّاسُ ازْرِى چیزی از این پست نیست که تو به قصد مردم بروی، به این قصد بروی که از مردم چیزی بگیری. انت مَا اسْتَغْنَيْتَ عَنْ غَيْرِكَ اَعْلَى النَّاسِ قَدْرًا تو همین مقدار که از دیگران بی‌نیاز باشی، از همه مردم برتر هستی.



اگر کسی قانع باشد امروز زندگی خیلی ساده است. سابق خیلی سخت بود. آنچه امروز زندگی را بر افراد سخت کرده برج (خرج های زائد و غیر ضروری) است نه خرج های واقعی و ضروری. آن هم که نهایت ندارد. اما اگر به ضروریات اکتفا کنند، زندگی خیلی ساده می‌گذرد.

[حاج اسماعیل دولابی، مصباح البی، ص ۴۵]

بدبختی ما از همین جا شروع میشه !

صحبت درباره بیت المال پیش آمد، آقا مهدی گفت: "ببینید، من نگرشم نسبت به بیت المال اینه که برای یه سوزن ته گرد به اندازه یه تانک ارزش قائلم. یه سوزن ته گرد هم مال بیت الماله، یک تانک هم مال بیت الماله". ... یک بار یکی از راننده ها که ماشین کهنه و کارکرده ای زیر پایش بود از کوره در رفته بود و نسبت به این ماشین هایی که به سپاه می دادند اعتراض می کرد، حتی کمی هم ناسزا گفت. می گفت: "شما ماشین های سالم و تر و تمیز رو میدین به کسای دیگه و ما باید با این ابوقراضه ها سر کنیم". آقا مهدی وقتی حرفهای او را شنید حسابی ناراحت شد و توی جمع شروع کرد با آن راننده صحبت کردن و گفت: "می دونی چیه؟ بدبختی ما از همین جا شروع میشه. تا دیروز می زدیم توی سر طاغوتی ها و اسراف کارها و زیاده خواه ها و کسانی که دنبال پول و مادیات بودن که چرا مثل ما نمی‌شنی، حالا توی سر خودمون می زنیم که چرا مثل اونا نمی‌شیم؟ تا دیروز می گفتیم که همه، حفظ بیت المال و قناعت و پاکیزگی و ایثار رو سرمشق خودشون قرار بدن، اما حالا توی سر خودمون می زنیم و می گیم که چرا ما نباید از ماشین های مدل بالا استفاده کنیم، چرا از بیت المال استفاده کافی رو نبایم؟" در آخر هم گفت: "برادر جان، این ره که تو میروی به ترکستان است. باید با همین ماشین سر کنی و ماشین دیگه ای هم نداریم". آن راننده وقتی حرفهای آقا مهدی را شنید، سرش را انداخت پایین و رفت پی کارش.

[علی اکبری ، نمی توانست زنده بماند (خاطراتی از سردار شهید مهدی باکری) ، ص ۳۹ .]

اینجانب به تازگی در یکی از نهادهای دولتی مشغول به کار شده‌ام. در اول آبان ۸۳ برای گذراندن دوره آموزشی معرفی شدیم و دوره آموزشی ما حدود پنج ماه بود، در مدت این پنج ماه، ما حقوق آموزشی می‌گرفتیم. در فروردین ماه بود که حقوق من کامل شد؛ حال سوال من این است که سال خمسی من از چه تاریخی شروع می‌شود؛ از اولی که حقوق کامل دریافت کرده‌ام یا قبل از آن ؟ از زمانی که حقوق آموزشی می‌گرفتم؟

سوال

اگر حقوق دوره آموزش به عنوان اجرت به شما داده شده است، از همان زمانی که اولین حقوق را دریافت کرده‌اید اول سال خمسی شماست، ولی اگر به شکل کمک و هدیه بوده است، خمس نداشته و اول سال خمسی شما زمانی است که اولین حقوق رسمی خود را دریافت می‌کنید.

جواب

(استفتنهای مقام معظم رهبری امام خامنه‌ای در سایت معظم له به آدرس: leader.ir)